

پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر خاورمیانه

دکتر ابراهیم برزگر*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۰۹/۰۴

چکیده

محقق در یک «مطالعه موردی» می‌کوشد تا مباحث نظری و ماهیت متفاوت پیش‌بینی در پدیده‌های انسانی و پدیده‌های طبیعی در انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن را بررسی کند. وی ضمن جدایی دو مقوله پیش‌بینی و پیش‌گویی، خطوط افتراق آن را در عرصه‌های علوم دقیقه و علوم انسانی برجسته می‌کند. به نظر وی درک عمیق بحث بازتاب انقلاب اسلامی ایران منوط به فهم مقوله پیش‌بینی و ظرایف آن در علوم انسانی است. نویسنده بر این باور است که محافل غربی اعم از نظریه پرداز و یا سیاست‌مدار در پیش‌بینی وقوع انقلاب اسلامی ناکام بوده‌اند و غافل‌گیرانه با آن مواجه می‌شوند؛ اما آنان کوشیده‌اند تا به پیش‌بینی بازتاب انقلاب اسلامی بپردازند. زین سبب، پیش‌بینی بازتاب‌های وسیع انقلاب اسلامی در سطح تحلیل منطقه‌ای و سطح تحلیل بین‌المللی موجب شد تا کارگزاران آن با دست‌کاری در «شرط وقوع» این پیش‌بینی‌ها، از این تأثیرات جلوگیری کنند و یا دست‌کم زمان وقوع آن را تا اطلاع ثانوی به تعویق اندازند و یا از شدت آن بکاهند. کاوش در موضوع پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در موقعیت «وقوف بعد از وقوع» پیچیدگی در صحنه شطرنج سیاست را افشا، و ضرورت استفاده از «علم سیاست» در تصمیم‌گیری‌ها در موارد مشابه را اثبات می‌کند. مقاله حاضر می‌تواند بخشی از «کاستی‌های نظری» درس بازتاب انقلاب اسلامی ایران را جبران کند.

واژگان کلیدی

پیش‌بینی، انقلاب اسلامی ایران، خاورمیانه، مطالعات آینده‌نگرانه

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، به دلایل گوناگون دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده در منطقه بوده است؛ اول، یک انقلاب بزرگ و تمام‌عیار و مطابق با تعاریف انقلاب، در ایران رخ داده و با انقلاب فرانسه و روسیه قابل مقایسه است. دوم، دارای داعیه بین‌المللی و فرامرزی و بشری است و پسوند «اسلامی» انقلاب ایران هم این انتظار را ایجاد می‌کند. سوم، موقعیت ملی استراتژیک و سوق‌الجیشی ایران و موقعیت حساس منطقه‌ای آن، یعنی خلیج فارس و خاورمیانه موجب می‌شود که هرگونه تغییرات ساختاری در ایران دارای تأثیرات منطقه‌ای باشد. در این صورت، بررسی بازتاب منطقه‌ای این انقلاب عظیم و توضیح علمی آن فراتر از توصیف‌های ساده و ارائه شواهد عینی به یک دغدغه دانشگاهی تبدیل می‌شود. این همه، در حالی است که تأثیرات انقلاب اسلامی به موضوعی به نام «پیش‌بینی» پیوند می‌خورد و این پرسش را طرح می‌کند که بازتاب انقلاب اسلامی چه نسبتی با مقوله پیش‌بینی پیدا می‌کند؟ چگونه می‌توان درک خود در مقوله پیش‌بینی در حوزه علوم انسانی در تقابل با علوم دقیقه را در مصداقی به نام انقلاب اسلامی، عینی و ملموس ساخت؟ نگاه به آینده و آینده‌نگری چگونه در مصداقی چون پدیده انقلاب اسلامی و بازتاب آن متجلی می‌شود؟ مدعای این نوشتار آن است که اگر در جستجوی معمای چرایی، چیستی و یا تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای مسلمان‌نشین و نظام بین‌المللی می‌باشید، این بحث گسترده را در نمونه کوچکی به نام پیش‌بینی می‌توان نظام‌مند کرد. فرضیه آن است که سیاست‌مداران غربی و منطقه‌ای برخلاف غافل‌گیری در قبال وقوع انقلاب، با پیش‌بینی تأثیرات انقلاب ایران در آینده توسط صاحب‌نظران، برای جلوگیری از این تأثیرات که به زیان آنان بود، اقداماتی انجام دادند و به اخلال در شرط وقوع‌های این پیش‌بینی‌ها پرداختند. متغیر مستقل پیش‌بینی این تأثیرات توسط دانشمندان و اعلان آشکار آن است. متغیر وابسته عدم تحقق پیش‌بینی و مختل شدن وقوع عینی و تمام‌عیار پیش‌بینی یا کاهش تأثیرات یا تأخیر برخی از تأثیرات و تغییر در کیفیت این تأثیرات است.

۱. مدل نظری تحلیل

قبل از ارائه شواهد و مؤیدات فرضیه پیش‌گفته، بحث مفصل پیش‌بینی و پیش‌گویی در علم سیاست در قالب گزاره‌های فشرده ذیل خلاصه می‌شود؛^۱ خطوط این مدل در مباحث تطبیقی تأثیرات انقلاب اسلامی پیگیری می‌شود.

- نیاز بشر به آینده‌دانی در طول تاریخ، نیازی فطری است و با دانش‌های مختلف تأمین شده است. این نیاز در معرفت فلسفی و دینی با اصطلاح پیشگویی (قطع‌گویی) و در اصطلاح علوم تجربی با عنوان پیش‌بینی (احتمالی) نشان داده شده است.

- ماهیت پیش‌بینی در علوم طبیعی و علوم اجتماعی از جمله علم سیاست نیز متفاوت است. پدیده‌های علوم اجتماعی و سیاسی برخلاف پدیده‌های طبیعی بدون امکانات آزمایشگاهی، یکتا و در اغلب موارد تکرارناپذیر است و به دلیل پیچیدگی بیشتر پیش‌بینی آن‌ها دشوار است. این پدیده‌ها برخلاف پدیده‌های علم فیزیک و شیمی که پویا و بدون دگرگونی است، پویا و چونان درخت نامنظم است و به‌طور مستمر دگرگون می‌شود؛ پس پیش‌بینی آن‌ها دشوار است (استنفورد، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

- مهم‌ترین وجه تفاوت پیش‌بینی در علوم اجتماعی و علوم طبیعی آن است که پیش‌بینی وقوع حوادث طبیعی موجب اختلال در روند پیش‌بینی نمی‌شود؛ اما در علوم انسانی و علوم سیاست، به دلیل دنیای مشترک انسانی و اینکه بیننده خود بخشی از دیده‌شده است و به دلیل عاملیت انسانی، پیش‌بینی موجب نقض پیش‌بینی می‌شود.

- عوامل تشدیدکننده نیز بر قدرت اختلال مذکور می‌افزاید، سوءبرداشت‌ها از اظهارات و رفتارهای تهدیدآفرین خودی و نیز بزرگ‌نمایی تهدیدات توسط غیرخودی‌ها و قدرت‌های بزرگ دو نمونه آن بوده مؤید آن است که «تصور از واقعیت» مهم‌تر از خود واقعیت است.

- جمع‌بندی مراحل مذکور در استراتژی‌ها و اقدامات بازدارنده و مقابله‌ای برای خنثی کردن پیش‌بینی تأثیرات منطقه‌ای انقلاب اسلامی، نمودار شده است.

در ذیل محورهای مدل تحلیل پیش‌گفته تشریح و در مورد انقلاب اسلامی ایران تطبیق داده می‌شود:

۱-۱. پیش‌بینی و فطرت بشری

شاید شعبه‌ای از فطرت «علم‌جویی» اوست. جلوه‌های ماندگار آن را در همه تمدن‌های بشری از آغاز تاکنون می‌توان مشاهده کرد. شکل‌گیری «علوم غریبه» از همین روست. دانش‌ها و فنون‌های چون رمل، نجوم، جفر، سیمیا، خواص حروف، تعبیر خواب، طلسمات، طاس‌بازی، فال، کتاب‌بینی، جن‌گیری، آئینه‌بینی، فرشته‌شناسی و کف‌بینی مؤیدی بر پاسخ‌گویی به این نیاز فطری است (انوشه، ۱۳۷۶، ص ۹۹۰). ابن‌خلدون نیز ضمن ذاتی دانستن این شیفتگی بشر به آینده‌دانی، در مقدمه خود بحث مفصلی را به «پیش‌گویی» اختصاص می‌دهد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۲، ص ۶۴۵). وجود آثار ماندگار از تمدن‌های گوناگون نظیر نوشته‌های نوسترآداموس فرانسوی، پی‌چینگ یا فالنامه چینی یا اثر حافظ (لسان‌الغیب) یا شاه نعمت‌الله ولی در فارسی مؤید تعمیم آن در همه مکان‌ها و زمان‌ها و تمدن‌هاست. حتی در ساختار اداری نظام‌های سیاسی بعضاً نهاد و یا شخص «منجم‌باشی» طراحی شده بود. تصمیمات سیاسی زمامداران از قبیل تاج‌گذاری یا اقدام به تهاجم نظامی، پیوسته با پیش‌گویی منجمان هماهنگ می‌شد و یا به‌طور کلی، درباره پیش‌گویی دولت‌ها به کتاب «جفر» استناد می‌شد که بر اساس دانش احادیث و یا اطلاعات ستاره‌شناسی یا احکام نجومی تنظیم شده بود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۲، صص ۶۵۴-۶۴۵). این قبیل کتب که به شکل منظوم و یا منثور با عنوان «اختیارات نجومی» تألیف شده، از جمله پیش‌گویی‌های مردم قدیم بود و عوام چنان به آن اعتقاد داشتند که بدون مطالعه آن، کاری نمی‌کردند. در اختیارات نجومی، در باب اموری چون نو بردن، نو پوشیدن، کتابت کردن، خریدن زمین، تزویج، سفر و جز آن دستورهایی آمده است (انوشه، ۱۳۷۶، ص ۹۹۱). گفتنی است که امروز بسیاری از علوم غریبه به علوم واقعی بدل شده است، چنان‌که سیمیا به عنوان هیپنوتیزم از جمله موضوعات علم روان‌شناسی است، احکام نجوم به علوم نجوم و کیمیا به شیمی و درمان بسیاری از بیماری‌های روانی به جای بیرون آوردن جن و ارواح خبیثه، به روان‌شناسی تبدیل شده‌اند (انوشه، ۱۳۷۶، ص ۹۹۴).

در نوشته‌های «شاه نعمت‌الله ولی» اشاراتی هرچند مبهم به وقوع انقلاب اسلامی در ایران شده است. در پیش‌گویی‌های نوسترآداموس نیز اشاراتی دال بر وقوع انقلاب

اسلامی ایران با واژه صریح پرشیا آمده است. فراتر از آن تسری انقلاب اسلامی ایران از طریق ترکیه و اسپانیا به سایر نقاط جهان و جهانی شدن انقلاب اسلامی و حتی وقوع جنگ جهانی سوم پیشگویی شده است. پیشگویی‌های نوسترآداموس اغلب در باب ایران و کشورهای اسلامی است. تأثیر عمیق این پیشگویی‌ها چنان زیاد است که بدون شناخت این پیشگوی کبیر نمی‌توان حساسیت‌های «انسان غربی» نسبت به «انسان شرقی» را درک کرد. سیاست‌مداران غربی با حساسیت زیادی بدان برخورد می‌کنند (نیمروزی، ۱۳۸۱، صص ۱۷۴-۱۸۱). حتی گفته می‌شود نظریه‌پردازانی نظیر هانتینگتون در نظریه‌پردازی «برخورد تمدن‌ها» از آن الهام گرفته‌اند. هرچند این پیشگویی‌ها دارای ویژگی‌های علمی نیست، منشأ الهام دانشمندانی دیگر قرار گرفته است که دارای روش علمی‌اند.^۲

۲-۱. پیش‌بینی و رویکردی علمی

مطالب پیش‌گفته در باب کاربرد پیشگویی در فلسفه بود، به همین جهت، از آن به پیشگویی و نه پیش‌بینی تعبیر شد. اکنون به موضوع «پیش‌بینی»- یکی از انتظارات معقول از نظریه‌های علمی- اشاره می‌شود. به دیگر سخن، یکی از وظایف نظریه‌های علمی، ارائه پیش‌بینی حوادث و روندهای آینده است. در علم سیاست و سنت علمی آن هم کوشش‌های فراوانی برای مشابه‌سازی آن با علوم طبیعی و دست‌یابی به قوانینی که با آن بتوان به پیش‌بینی آینده پرداخت، صورت گرفته است. کارل مارکس یکی از نخستین نظریه‌پردازان در این سنت بود. سنتی که به رفتارگرایی شهرت یافت (Heywood, 2002, p.14). البته از میان رهیافت‌های معرفت‌شناختی گوناگون، علاوه بر رهیافت رفتارگرایی، رهیافت‌گزینه‌های عقلایی نیز دارای ماهیتی پیش‌بینی‌کننده است (Heywood, 2002, p.14). فراتر از آن، قدرت پیش‌بینی و شدت و ضعف آن در هر علم، نشانگر جایگاه آن در طیف علوم و مرتبت آن در علوم انسانی و یا به تعبیر دیگر، درصد علمی بودن آن است. همچنان‌که پیش‌گویی محقق یک پیامبر نشان صدق نبوت اوست، نشانه علمی بودن یک علم نیز در توان آن در موضوع پیش‌بینی است. نبود این توانایی، نظریه‌های آن علم را زیر سؤال می‌برد و حتی موجب بروز بحران در آن علم و یا نظریه‌های آن می‌شود.

اکنون می‌توان به طرح این پرسش پرداخت که آیا صاحب‌نظران در حوزه جامعه‌شناسی انقلاب و یا علوم سیاسی وقوع انقلاب اسلامی ایران را پیش‌بینی کرده بودند؟ با علم به منفی بودن این پاسخ، این غافل‌گیرکنندگی وقوع انقلاب اسلامی، شوک علمی بزرگی را بر این نظریه‌ها و نظریه‌پردازان وارد ساخت. این نظریه‌پردازان ناکام در پیش‌بینی وقوع انقلاب اسلامی کوشیدند تا دست‌کم به توجیه علمی مناسب و تبیین (مارش و استوکر، ۱۳۷۸، صص ۳۱-۳۷) بعد از وقوع آن بپردازند. به نظر «نیکی کدی» این موضوع آنان را به این پرسش اساسی با محوریت بحث انقلاب اسلامی ایران سوق داد که آیا اساساً انقلاب‌ها پیش‌بینی‌پذیرند (کدی، ۱۳۸۶، صص ۷۱-۱۰۰)؟ آنان بعضاً به ناکامی دوم، یعنی عدم قدرت تبیین این نظریه‌ها نسبت به انقلاب اسلامی ایران اذعان داشتند. می‌توان از این مقوله به «بحران در نظریه‌های انقلاب» تعبیر کرد.

بنابراین، نظریه‌پردازان حوزه جامعه‌شناسی انقلاب که شاهد شوک ناشی از وقوع غیرمنتظره انقلاب اسلامی ایران بودند، به نظریه‌های خود و موجود رجوع کردند، توان تبیین آن‌ها را بررسی نمودند که به بحثی بسیار پرجاذبه تبدیل شد؛ به طوری که صدها کتاب و مقاله علمی از دیدگاه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی در باب آن تحریر شد (امیری، ۱۳۷۸؛ آهنی، ۱۳۷۸؛ پناهی، ۱۳۸۵). توجه بسیار زیاد این پژوهشگران را می‌توان به خوبی عینی کرد و با رجوع به تعداد مدخل‌های موجود در شبکه‌های اینترنت از جمله مدخل‌های انگلیسی سایت گوگل درباره دو انقلاب نیکاراگوئه و انقلاب ایران که تقریباً همزمان هر دو در سال ۱۹۷۹ رخ دادند، نشان داد. تعداد مدخل‌های انقلاب نیکاراگوئه ۵۱۰۰۰ و انقلاب اسلامی ایران ۱/۶۷۵/۰۰۰ است. به بیان دیگر، تعداد مدخل‌های انقلاب ایران بیش از ۳۰ برابر مدخل‌های انقلاب نیکاراگوئه است. به نظر پناهی انقلاب ایران به منزله بحرانی نظری موجب تغییر پارادایم و ظهور نسل جدیدی از نظریه‌پردازی‌ها در باب انقلاب‌ها شد. وی وقوع انقلاب اسلامی ایران را به منزله متغیر مستقل، و تحول در نظریه‌های انقلاب را به منزله متغیر وابسته در نظر می‌گیرد. وی این تحول را در چهار موضوع توجه به عامل فرهنگی، بحران مشروعیت، کاهش نقش عوامل ساختاری و جنسیت یا نقش زنان در

انقلاب‌ها می‌داند و با استفاده از تحلیل محتوایی کیفی مقالات مربوط به انقلاب اسلامی آن‌ها را نشان می‌دهد (پناهی، ۱۳۸۵).

۳-۱. پیش‌بینی و علم سیاست

بر محوریت بحث پیش‌بینی و در دفاع از علم سیاست باید به ماهیت متفاوت پدیده‌های سیاسی و پدیده‌های علوم طبیعی و دقیقه اشاره شود؛ «پوپر» از این تفاوت با عنوان استعاره «ابرها و ساعت‌ها» یاد کرده است (Almond & Gento, 1977, pp.490-522). علوم طبیعی و دقیقه «ساعت‌وار» قابل تنظیم، اندازه‌گیری و پیش‌بینی دقیق است، اما پدیده‌های علوم انسانی «ابروار» است و به سبب پیچیدگی و حرکت «مگس‌وار» گله‌پیشه‌گان آن، نامنظم و از بعد پیش‌بینی مشکل است (پورعزت، ۱۳۸۲، صص ۳۱-۵۲؛ Boulding, 1971, pp.20-28)؛ فراتر از آن در علوم دقیقه پدیده‌های مورد بررسی قابلیت بی‌نهایت تکرارپذیری را داراست، درحالی‌که پدیده‌های علوم انسانی یکتا و بی‌همتا^۳ است. در علوم طبیعی اختیار و قدرت تکرار مشاهدات در آزمایشگاه وجود دارد، درحالی‌که علوم انسانی بدون چنین آزمایشگاهی است. در مطالعه پدیده‌های سیاسی هم نمی‌توان انسان‌ها را به آزمایشگاه برد؛ نمی‌توان در مورد انسان‌ها آزمایش‌های تکرارپذیر انجام داد و نمی‌توان از کنه وجود انسان‌ها مطلع شد (Heywood, 2002, p.17). بر این اساس، در علوم دقیقه، طبقه‌بندی‌ها بر پایه همانندی‌ها و شباهت‌ها صورت می‌گیرد، درحالی‌که در سیاست، تفاوت‌ها و الگوهای متفاوت رفتاری مهم تلقی می‌شود و مطالعه ضروری این الگوهای بی‌قاعده کار سیاست را دشوارتر می‌سازد (چیلکوت، ۱۳۷۸، صص ۵۳). وقوع انقلابی با آن عمق و گستردگی در ایران برای نخستین بار در ۵۷ کشور اسلامی و حتی برای اولین بار در ایران، مشکلی از نوع همان پدیده‌های بی‌همتا در حوزه علوم اجتماعی است. بنابراین، دشواری و ضعف در پیش‌بینی در اینجا ناشی از نوع یکتایی پدیده‌ها و «معضل شناخت به عنوان پایه پیش‌بینی» است (سریع‌القلم، ۱۳۶۷، صص ۲۱۱).

۴-۱. پیش‌بینی و عوامل مختل‌کننده

موضوع «اختلال در روند پیش‌بینی» نیز بیانگر ماهیت متفاوت پدیده‌های سیاسی و پدیده‌های علوم طبیعی است. به بیان دیگر، «اعلام و علنی کردن نظر پیش‌بین و آینده‌نگر» در علوم دقیقه و طبیعی موجب اختلال در روند تحقق و وقوع آن پیش‌بینی نمی‌شود، درحالی‌که در علوم انسانی و علم سیاست به دلیل آنکه پدیده‌ها از جنس اراده و فعل انسانی است، اعلام و علنی کردن پیش‌بینی موجبات اختلال در روند پیش‌بینی را فراهم می‌کند. تا آنجا که در حوزه علوم انسانی گفته‌اند که «پیش‌بینی با همان پیش‌بینی که می‌کند، مقدماتی را فراهم می‌کند که آن‌ها تحقق نپذیرد» (جهانبگلو، ۱۳۴۷، ص ۴۳). البته می‌توان بر عبارت مذکور تلاش در راه تحقق سریع‌تر پیش‌بینی‌ها در صورتی که به نفع کارگزار باشد، هم افزود؛ به تعبیر دیگر، پدیده‌های انسانی و سیاسی محصول اراده و فعل و انفعال، و کنش و واکنش طرف‌های درگیر است. بنابراین، صاحبان این پدیده‌ها برخلاف پدیده‌های طبیعی و اشیاء، اولاً بی‌تفاوت نیستند و فعال‌اند و ثانیاً قدرت اراده و تأثیرگذاری دارند. این مسئله موجب بروز اختلالاتی در روند پیش‌بینی‌ها می‌شود؛ به‌ویژه در علوم سیاسی که دارای حساسیت بیشتری است. در علوم طبیعی امکان ایجاد اختلال در روند پیش‌بینی وجود ندارد و پیش‌بینی فیزیکدان در باب سقوط سیب از درخت و یا ستاره‌شناس در باب وقوع کسوف (روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه، ۲۲ تیر ۱۳۷۰)، در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۵م. حتماً تحقق می‌یابد؛ اما پیش‌بینی وقوع انقلاب در یک کشور و یک رکود اقتصادی می‌تواند تحریک‌کننده طرف‌های ذی‌ربط باشد تا با دست‌کاری در «شرط وقوع»‌های آن پدیده، در روند تحقق آن اختلال ایجاد کنند؛ مثال بارز آن مدافعات نئومارکسیست‌ها از نظریه مارکس است و اینکه در پاسخ به انتقاد در باب عدم تحقق پیش‌بینی مارکس و وقوع انقلاب در کشورهای دارای سرمایه‌داری پیشرفته و صنعتی نظیر انگلستان و آلمان، آنان می‌گویند این پیش‌بینی مارکس را سرمایه‌داران نیز شنیدند و آنان درصدد مقابله با آن برآمدند و با اشباع نسبی خواسته‌های طبقه انقلابی کارگر، موجب محافظه‌کاری این طبقه متولی و کارگزار اصلی انقلاب را فراهم ساختند؛ بدین وسیله مانع تحقق پیش‌بینی مارکس شدند (برزگر، ۱۳۸۲، صص ۴-۱۵).

۲. انقلاب اسلامی و پیش‌بینی تأثیرات آن

واقعیات و دلایل بی‌شماری دال بر آن است که آمریکا و غرب در قبال وقوع انقلاب ایران غافل‌گیر شده‌اند. سقوط رژیم مقتدر شاه ناگهانی بود. از نظر آنان در وضعیت ایران زمینه‌های مساعد وقوع انقلاب مشاهده نمی‌شد و ارزیابی صاحب‌نظران نیز بر ثبات و استواری دلالت داشت. جیمی کارتر - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - در نطق مشهورش به هنگام دیدار از ایران در ۱۰ دی ۱۳۵۶ - یکسال قبل از انقلاب اسلامی - ایران را «جزیرهٔ ثبات» توصیف کرد (مؤسسه سوره، ۱۳۷۷، ص ۴۰۹). «ایران به سبب رهبری داهیان‌ه شاهنشاه، یک «جزیره ثبات» در آشوب‌زده‌ترین مناطق جهان است». علی‌رغم نفوذ و فعالیت گستردهٔ سازمان‌های جاسوسی بزرگ جهان، اعم از سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)، موساد اسرائیل، ایتلیجنت سرویس انگلیس و کا.گ.ب. شوروی در ایران، هیچ‌یک نتوانستند انقلاب در حال شکل‌گیری را پیش‌بینی کنند (محمدی، ۱۳۸۰، صص ۶-۱۷). گزارش سیا در تابستان ۱۹۷۸ در آستانهٔ انقلاب ایران اعلام می‌دارد که ایران نه تنها در وضعیت انقلابی قرار ندارد بلکه در وضعیت پیش از انقلاب هم قرار ندارد.^۴ حتی سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع^۵ در ۱۹۷۸ پیش‌بینی کرد (Moenes, 1991, p.217)، شاه تا ده سال آینده با قدرت به حکومت خود ادامه می‌دهد (Lenczowski, 1992, p.64). در آستانهٔ انقلاب اسلامی ایران و در دههٔ ۱۹۷۰ دولتمردان و کارشناسان آمریکا به امکان و احتمال و پیش‌بینی یک انقلاب اسلامی در ایران معتقد نبودند و از آن بحثی در حد تصمیم‌گیری به میان نیاوردند.

نکتهٔ مهم در این مطالعهٔ موردی، آن است که کارشناسان و سیاست‌مداران غربی در پیش‌بینی وقوع «انقلاب اسلامی» ناکام ماندند و از این‌رو، غافلگیرانه با آن مواجه شدند و از انجام دادن هرگونه اقدام در جهت پیش‌گیری از وقوع آن بازماندند. اما نکتهٔ ظریف آنکه برعکس وقوع انقلاب، در باب «بازتاب و سرایت» آن به دیگر کشورها، آنان هم «زمان» کافی داشتند تا به پیش‌بینی پیامدها و تأثیرات فرامرزی آن پردازند و هم تجربهٔ سایر انقلاب‌های پیشین را داشتند؛ برای نمونه، آنان پیامدهای منطقه‌ای انقلاب فرانسه بر کشورهای منطقه و حتی بر اندیشه‌ها و نظام‌های سیاسی جهان عرب را مد نظر داشتند (خوری، ۱۹۷۳، ص ۸۳) و هم زمان و امکانات بیشتری داشتند تا در

روند متعارف امور و شرط وقوعها چنان اختلال کنند تا چنان تأثیرات مورد انتظار رخ ندهد؛ به‌ویژه آنکه انقلاب اسلامی در ایران بود، اما بازتاب آن در واحدهای سیاسی دیگر و خارج از اراده کارگزاران ایرانی بود. بنابراین، در علوم انسانی و در بحث تأثیرگذاری انقلاب اسلامی چند اقدام ذیل صورت می‌گیرد:

اولاً، صاحب‌نظران و خبرگان، دست به تحقیق، تبیین وضعیت موجود و پیش‌بینی آینده رخدادها و روندها می‌زنند؛

ثانیاً، پیامدها و نتایج مثبت و منفی آن توسط کارشناسان و به‌ویژه طرف‌های ذی‌ربط بررسی می‌شود؛

ثالثاً، طرف متضرر با توجه به نفس پیش‌بینی و با توجه به نتایج متصور در حالات مختلف می‌کوشد نهایت تلاش خود را مبذول دارد تا از تحقق آن پیش‌بینی که وی را دچار مخاطره یا ضرر و زیان می‌کند، جلوگیری کند.

در انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر جهان اسلام این بحث نظری بسیار راه‌گشاست. انقلابی با آن عظمت در ایران به اقرار و اعتراف‌های مکرر دانشمندان و سیاست‌مداران در قرن بیستم رخ داده است (رک. خرمشاد، ۱۳۸۱؛ سالار، ۱۳۷۸؛ حشمت‌زاده، ۱۳۸۵، صص ۲۹۲-۳۰۰). انقلاب اسلامی ایران با شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» به پیروزی رسید و همین شعار را مبنای سیاست خارجی خود قرار داد. بر این اساس، آشکارا ابرقدرت‌های شرق و غرب را نفی کرد و اسلام را رقیبی جدی برای سوسیالیسم و کاپیتالیسم مطرح کرد. این انقلاب و تبلیغات بزرگ‌نمایی آن، هراسی بنیادین را در دل غرب برانگیخت و زنگ خطر را برای آنان به صدا درآورد؛ زیرا برای نخستین‌بار پس از تجزیه امپراتوری عثمانی، طلیعه‌های ظهور یک قدرت یا جریان اسلامی را نمایان کرد (اسدی، ۱۳۸۵، ص ۴۲۵). پیش‌بینی‌های سیاست‌مداران در این باب خواندنی است (محمدی، ۱۳۷۰، صص ۱۶-۱۷):

«لئونید برژنف»- صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دبیرکل حزب کمونیست آن کشور- تجدید حیات اسلام را مهم‌ترین رخداد سیاسی قرن بیستم، و انقلاب اسلامی را تهدید و خطر مستقیم برای مرزهای جنوبی شوروی اعلام کرد.^۶

هنری کیسینجر - نظریه‌پرداز اصلی سیاست خارجی و عضو شورای روابط خارجی آمریکا - در برشمردن خطرهایی که منافع ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه را تهدید می‌کند، مهم‌ترین آن‌ها را ناشی از انقلاب اسلامی ایران دانسته و آن را کابوسی برای همسایگانش می‌داند.

موشه‌دایان - وزیر خارجه سابق اسرائیل - انقلاب ایران را «زلزله‌ای در منطقه» اعلام کرد و «ملک‌حسین» - پادشاه اردن - در همین رابطه، وضعیت موجود را وخیم‌ترین مرحله‌ای دانست که تاکنون در منطقه دیده است.

وی در پیش‌بینی خود چنین اظهار می‌دارد: «این جنبش از تهران رهبری می‌شود و همانند یک موج جذر و مدی... می‌تواند رژیم‌های منطقه را با خود فرو برد و منطقه را به خشونت بکشاند».

مارگارت تاجر - نخست وزیر سابق انگلستان - پیش‌بینی خود از تهدیدات انقلاب اسلامی را با ادبیات «ابرقدرت فرهنگی ایران» چنین بیان می‌کند که ما از سلاح‌های نظامی شوروی و اهمیت‌های نداریم؛ «زیرا ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته مسلح و مجهزیم، لیکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب اسلامی ایران نگرانیم» (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۶).

پیش‌بینی آنان چنین است که این انقلاب بازتاب‌ها و تأثیراتی در کشورهای خاورمیانه، جهان اسلام و جهان سوم از خود بر جای خواهد گذاشت. این پیش‌بینی آنان مستند به مطالعات و تحقیقات علمی و دانشگاهی گسترده آنان بود. جالب آنکه آنان خود تلاش کردند تا در باب بازتاب‌دار بودن انقلاب اسلامی به پیش‌بینی دست زنند و خود نیز کوشیدند تا پیش‌بینی‌های خود را خنثی کنند و در روند عدم تحقق پیش‌بینی خود اقدام کردند!

آنان به این پیش‌بینی دست یافتند که در حالت خنثی بودن و عدم مزاحمت عنصر خارجی و متغیر نظام بین‌الملل و منطقه‌ای، انقلاب اسلامی، سراسر خاورمیانه را در بر می‌گیرد. ساختارهای فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این جوامع را تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ برای نمونه، فرد هالیدی طبق بررسی‌های خود بر این باور است که کشورهای هم‌جوار محل وقوع انقلاب با توجه به تهدید مشترک ارزش‌های انقلابی

برای همگی آنان، به هم‌گرایی در موضع‌گیری علیه آن می‌رسند و سلسله اقداماتی هماهنگ برای جلوگیری از سرایت آن در پیش می‌گیرند (Halliday, 1997). این پیش‌بینی آنان در مورد انقلاب اسلامی ایران با توجه به تجربیات انقلاب‌های فرانسه و روسیه بود. اما تحقق این پیش‌بینی، تهدیدکننده ارزش‌ها و منافع فرهنگی، تمدنی و اقتصادی آنان بوده است. بنابراین، وقوع و اشاعه آن برای آنان بسیار ناخوشایند بوده است؛ از این‌رو، خود چنین پیش‌بینی کردند و خودشان در جهت جلوگیری از تحقق آن کوشیدند! سخنان ویلیام کوانت - عضو شورای امنیت ملی آمریکا در زمان کارتر - مؤید این مطلب است:

«انقلاب ایران، واشینگتن را به وحشت انداخت، از اینکه موج آن سراسر خلیج فارس را در بر گیرد. لذا تصمیم گرفتیم یک ساختار امنیتی در داخل و اطراف شبه‌جزیره عربستان به وجود آوریم تا مطمئن شویم انقلاب ایران به خارج سرایت نخواهد کرد (کوانت، ۱۳۷۲، ص ۶۴).

سرمایه‌گذاری عظیم غرب، آمریکا و حکومت‌های محافظه‌کار منطقه در طول جنگ تحمیلی و محاصره دائمی آن و مهار انقلاب در همین راستا قابل فهم است. آنان کوشیدند تا در سرچشمه، انقلاب اسلامی را بخشکانند و یا به شدت آن را محاصره کنند و خروش امواج و توان آن را بگیرند و به نظر می‌رسد در این کار توفیق زیادی به دست آوردند. به باور بسیاری از صاحب‌نظران جنگ عراق با ایران موجب توقف اندیشه صدور انقلاب و اثرپذیری عراق از انقلاب ایران شد.

۳. راهبردها و اقدامات اخلال‌کننده در روند بازتاب انقلاب

پیش‌بینی تأثیرپذیری کشورهای منطقه از انقلاب اسلامی ایران، کارساز شد؛ زیرا نخبگان این کشورها همانند سرمایه‌داران مغرب‌زمین که مانع تحقق پیش‌بینی مارکس شدند، کوشیدند که مانع تحقق انقلاب یا تغییرات اجتماعی وسیع در درون کشورهای خود شوند و دست به اقدامات پیشگیرانه‌ای زدند.

۳-۱. اقداماتی نظیر جابه‌جایی‌های گسترده در سطح نخبگان سیاسی که می‌تواند به دلیل تقارن زمانی با پدیده انقلاب اسلامی مرتبط باشد؛ مانند انتقال قدرت از

حسن‌البکر به صدام حسین در عراق، کودتای نظامی در ترکیه و یا حتی تهاجم شوروی به افغانستان و یا به‌طور کلی سرکوب شدید مخالفان که اشکال دستگیری، زندان، اعدام، تبعید را در بر می‌گرفت.

اثبات این تأثیرگذاری‌ها به‌طور موردی خود بحث مستقل دیگری را می‌طلبد. گاه اطلاعات و سخنان و اعترافات مستقیم کارگزاران و گاه اثبات غیرمستقیم از راه استدلال عقلی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲). دیدگاه‌های صاحب‌نظران و اجماع یا نظر بیشتر آنان بر موضوعی خاص دلالت بر «عینیت» آن است. البته عینیت از جنس علوم انسانی آن که بیانگر و اثبات‌گر مدعاست؛ برای نمونه، صاحب‌نظران گوناگون از جمله منوچهر محمدی از نگرانی‌های عمیق دولتمردان ترکیه از وقوع انقلاب اسلامی حکایت می‌کنند. آنان از گسترش اسلام‌گرایی ناشی از انقلاب ایران و نیز از تجزیه کردستان در صورت شکست انقلاب ایران دغدغه جدی داشتند. درواقع، انقلاب ایران به نوعی اهمیت نظامیان را در آن کشور نشان داد. کودتای نظامی ۱۹۸۰ میلادی یکسال بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران مورد تأیید متحدان خارجی قرار گرفت و حکومت سه‌ساله نظامیان که در هیچ‌یک از دو کودتای قبلی این کشور قبل از انقلاب ایران سابقه نداشت، دلیلی بر مدعای رابطه بین کودتای ۱۹۸۰ ترکیه و جلوگیری از پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران است (محمدی، ۱۳۷۰، ص ۳۷۹؛ پوربناب، ۱۳۷۹).

۲-۳. سر دیگر طیف اقدامات حاکمان در شکل باز کردن فضای سیاسی و ترمیم شکاف و حشمتناک توده‌ها و حکومت‌گران جلوه‌گر شد. درواقع، انقلاب اسلامی، شکاف خفته و ناپیدای این حکومت‌ها با مردمان خود را برای آنان علنی کرد. حکومت‌گران دریافتند که با آگاهی سیاسی مردم ناشی از انقلاب ایران و الگوگیری آنان از ایران، احتمال دارد سرنوشتی نظیر شاه ایران داشته باشند. مارتین ضمن اینکه رابطه‌ای بین دولت ضعیف در کشورهای اسلامی و افزایش اثرپذیری از انقلاب اسلامی ایران برقرار می‌کند و به این دلیل تأثیر انقلاب اسلامی را بر افغانستان و لبنان بیشتر می‌داند، همچنین، به واکنش دولت‌های گوناگون مانند مصر، لیبی، سوریه، الجزایر و عربستان و سایر دولت‌های خلیج‌فارس در قبل انقلاب اسلامی می‌پردازد. وی در یک

قاعده کلی دیگر رابطه‌ای میان وجود شکاف طبقاتی و پذیرش پیام‌های عدالت‌طلبی انقلاب اسلامی برقرار می‌کند (Martin, 2002, pp.188-190). از این رو، کوشیدند تا نوعی رفاه نسبی برای مردمان خود فراهم کنند؛ نظیر اقدامات عربستان سعودی در منطقه الاحساء و مناطق شیعه‌نشین که از محروم‌ترین مناطق آن کشور بودند. و یا اینکه بازسازی‌هایی در شکل سیاسی حکومت خود ایجاد کنند. به نظر اکبرزاده و منصوره از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ تا کنون رژیم‌های هوادار آمریکا در منطقه از پیامدها و بازتاب‌های این انقلاب در رنج بوده‌اند و اقدامات مصونیت‌بخش و اصلاحات و تغییرات هدایت‌شده در دستور کار قرار گرفته است (Akbarzadeh, 2007, p.25). از این رو، شاهد شکل‌گیری نهادهای مدنی و مشورتی در بسیاری از این کشورها متعاقب انقلاب ایران هستیم؛ نظیر مجلس شورای کویت و اعطای حق رأی به زنان و یا شکل‌گیری مجلس مشورتی عربستان سعودی و با توجه به شیعیان عراق توسط صدام و تعطیل ملی اعلام کردن روز تولد امام علی (ع) توسط رژیم (Martin, 2002, p.193).

۳-۳. بخش دیگری از اقدامات آنان در شکل رعایت شعائر اسلامی جلوه‌گر شد و کوشیدند تا از این راه نیز احساس تهدید ارزشی در جامعه را از بین ببرند. بنابراین، نظام‌های سیاسی منطقه کوشیدند تا با اصلاح رفتار نسبت به شهروندان خود، زمینه‌های نارضایتی را از بین ببرند و از درون به خود مصونیت موقت بخشند. در واقع، این خود بزرگ‌ترین تأثیر انقلاب بر کشورهای منطقه و بزرگ‌ترین خیر و برکت انقلاب اسلامی ایران برای مردم منطقه است که چند قدم حکومت‌گران آنان را به سوی «مردم‌سالاری» سوق داده است.

۴-۳. از همه این موارد مهم‌تر، تحمیل جنگی تمام‌عیار بر ایران توسط حزب بعث عراق به نمایندگی از جبهه مؤتلف ضد انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ است. در واقع، این جبهه مؤتلف متشکل از آمریکا و تا حدودی شوروی و نیز برخی رژیم‌های منطقه به این پیش‌بینی قریب‌الوقوع رسیده بودند که اولاً عراق اولین کشوری است که با توجه به تأثیر همسایگی^۷ و نیز بستر مساعد مذهبی و بافت غالب شیعه آن با پذیرش انقلاب اسلامی در معرض تهدید است (برزگر، ۱۳۸۲) و ثانیاً در صورت گذار انقلاب اسلامی از عراق، این کشور نقش نواحی «پیشاهنگ» (برزگر، ۱۳۸۲) در پخش

انقلاب اسلامی را عهده‌دار خواهد شد و پیام انقلاب اسلامی ایران با عبور از مانع زبان فارسی و هویت ایرانی در ترجمه‌ای عربی وارد خاورمیانه عربی خواهد شد (برزگر، ۱۳۸۲؛ عبدالناصر، ۲۰۰۱، ص ۲۷). بیشتر صاحب‌نظران حوزه خاورمیانه، انقلاب اسلامی ایران را دارای تأثیرات موقتی یا ماندگار بر کشورهای منطقه می‌دانند (Hinnebusch, 1988, p.202-203; Eddin, 2002, p.69; Martin, 2002, pp.188-197) و این تأثیرات در اشکال گوناگون، روندی فزاینده داشته است؛ اما با وقوع جنگ عراق علیه ایران یک‌باره این تأثیرات کند و یا حتی متوقف و بعضاً به موضع‌گیری منفی تبدیل می‌شود. جنگ عراق و ایران شکاف خفته هویتی شیعه با سنی و عرب با عجم را بیدار می‌کند و عامل کاهنده اثرپذیری از انقلاب ایران می‌شود (عبدالناصر، ۲۰۰۱، صص ۲۷-۲۹). منوچهر محمدی نیز همین دیدگاه را تأیید می‌کند که با گذشت دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حمایت‌های اولیه اخوان‌المسلمین نسبت به ایران کاهش یافت. وی یکی از دلایل این سردی روابط را آغاز جنگ ایران و عراق و استمرار آن می‌داند؛ زیرا عده‌ای در درون اخوان‌المسلمین، انقلاب ایران را انقلابی شیعی - عجمی دانستند که خواهان تسلط بر کل جهان اسلام است و کتاب‌های ضد شیعی انتشار و با انقلاب اسلامی ایران مخالفت کردند (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۰). حشمت‌زاده نیز جنگ عراق علیه ایران را با توجه به وجوه مشترک دو ملت و بسترهای مساعد پذیرش پیام انقلاب اسلامی ایران، تهاجمی آشکار و نظامی به کانون انقلاب اسلامی برای انهدام و مهار آن می‌داند (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۸۶). سیف‌زاده نیز به نوعی متفاوت همین رابطه جنگ و مهار انقلاب را بررسی می‌کند؛ بر این اساس، تمامی توان خود را در حمایت از عراق به کار بستند تا بتوانند از تحقق پیش‌بینی خود جلوگیری کنند! خدوری - محقق عراقی تبار - حتی قائل است که پیش‌بینی بازتاب طبیعی انقلاب ایران و نیز اقدامات جهت‌گیرانه ایران برای صدور انقلاب و تحقق جانبدارانه این پیش‌بینی، عامل شروع جنگ بوده است (Khadduri, 1988, pp.46-116).

۴. جنگ تحمیلی و پیش‌بینی‌ها در خصوص تأثیرات انقلاب اسلامی

پس از وقوع جنگ عراق علیه ایران، خط‌مشی مخالفان انقلاب اسلامی در جهت عدم پیروزی ایران در این جنگ طراحی شد. در واقع، در این مرحله نیز آنان پیش‌بینی کردند که در صورت پیروزی ایران در جنگ، امواج انقلاب اسلامی به‌سرعت خاورمیانه و شمال آفریقا و مناطق آسیای جنوب شرقی را نیز در بر خواهد گرفت. بر این اساس، به‌ویژه در مراحل که پیش‌بینی پیروزی ایران افزایش می‌یافت، می‌کوشیدند تا با مداخله خود در روند طبیعی امور خلل ایجاد کنند تا پیش‌بینی پیروزی ایران محقق نشود.^۸

هنری کیسینجر در مقاله‌ای به پیش‌بینی بازتاب گسترده انقلاب اسلامی ایران در صورت پیروزی ایران در جنگ می‌پردازد: «پیروزی ایران در جنگ، عقاید رادیکال اسلامی را از جنوب شرقی آسیا تا سواحل اقیانوس اطلس، گسترش خواهد داد.» (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۳). نیکسون نیز در جای دیگر راهبرد سیاست خارجی آمریکا را در این مورد در جهت تحقق خاتمه جنگ بدون پیروزی هیچ‌یک از دو طرف مفهوم‌سازی می‌کند (نیکسون، ۱۳۶۸). وی در جای دیگر می‌نویسد: جهان اسلام به رهبری ایران نوعی پاسخ ایدئولوژیک پروراند و اصول‌گرایی اسلامی را جانشین کمونیسم کرد. وی در باب پیش‌بینی تهدیدآمیز بودن جریان حیات اسلام برای غرب و اثرپذیری آن از انقلاب اسلامی معتقد است که در درازمدت تهدیدهای ناشی از ایران به مراتب خطرناک‌تر از عراق است. تهدید ناشی از عراق صرفاً یک تهدید نظامی است و فلسفه سکولار آن فراتر از مرزهایش هیچ جذابیتی ندارد؛ در حالی که تهدید ناشی از ایران هم مذهبی و هم نظامی است. سکولاریسم غربی و حتی ارزش‌های سکولاریسم اسلامی قادر به رقابت با اعتقادات بنیادگرایان نیست (نیکسون، ۱۳۷۴، ص ۱۲). کمک کشورهای حامی عدم تحقق پیروزی ایران در جنگ و به تبع آن، صدور انقلاب به عراق نیز در همین راستا به عنوان یک مفروض می‌تواند در نظر گرفته شود. عبدالله البشاره - دبیر کل وقت شورای همکاری خلیج فارس - می‌گوید: «باید از سرایت انقلاب اسلامی ایران به دیگر کشورهای منطقه جلوگیری کنیم و نیز در جنگ عراق و ایران با تمام امکانات باید از عراق حمایت کنیم» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۵۸، سند ۵۱).

بنابراین، عدم رعایت ظرافت در طرح صدور انقلاب، دامن زدن به تفاسیر مغرضانه از این مطالب توسط دستگاه‌های سیاسی و تبلیغاتی غرب، خوف و وحشت طبیعی کشورهای منطقه را به وحشتی موهوم، و ایران را به «دشمن مشترک» عراق و کشورهای خلیج فارس تبدیل کرد و آن‌ها را به یکدیگر نزدیک کرد و تمایل شدید به بهره‌گیری از زور علیه ایران را برانگیخت (اسلامی، ۱۳۶۹، صص ۲۵ و ۲۳۸).

رفتار سیاسی و تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی خاورمیانه‌نشینان نیز بر یک پیش‌بینی مبتنی است. هرچند «تصمیم‌گیری» و «پیش‌بینی» هر دو گزاره‌ای در باب آینده است، پیش‌بینی با استناد به شواهد و قرائن، نظری درباره آینده ممکن‌الوقوع است. در حالی که تصمیم‌گیری یک اراده و انگیزه بر انجام کاری در آینده است (Scruton, 1982, p.369). پیش‌بینی جزء جدایی‌ناپذیر هر تصمیم‌گیری است. این پیش‌بینی جوهر تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد؛ زیرا انسان بر اساس «تصور خود از واقعیت»، تصمیم‌گیری می‌کند و نه خود «واقعیت»؛ الف، بنابراین درست است که واقعیت وقوع انقلاب اسلامی ایران، تهدیدات ارزشی خود را متوجه کشورهای خاورمیانه کرد؛ ب، اظهارات مبهم برخی از مقامات غیرمسئول در باب صدور انقلاب، به این احساس تهدید دامن زد. به‌ویژه اینکه چند سال طول کشید تا حاکمان منطقه متوجه شوند که منظور از این گزاره که «ما انقلابمان را به همه جهان صادر می‌کنیم»، لشکرکشی نظامی و صدور انقلاب با سلاح نیست بلکه هجرت اندیشه و جابه‌جایی طبیعی مفاهیم است. البته آغاز و استمرار جنگ هشت‌ساله ایران-عراق و تقارن فکر صدور و جنگ نیز در سوءتفاهم صدور انقلاب از راه جنگ بسیار مؤثر بوده است؛ ج، فراتر از آن در سطح تحلیل بین‌المللی، قدرت‌های خارجی نیز در بزرگ‌نمایی پیش‌بینی تهدیدات ایران حداکثر تلاش خود را کردند؛ د، پیامد عملی همه این اقدامات چندجانبه آن شد که تصورات نخبگان منطقه خاورمیانه از تهدید انقلاب اسلامی، بسیار بیش از واقعیت این تهدیدات شد و این امر در شکل پیش‌بینی بزرگ‌نمایی شده بر تصمیمات آنان اثرگذار شد و جوی آکنده از «بدبینی» از مقاصد ایران را بر اذهان حاکم کرد. بنابراین، پیش‌بینی در این وجه به‌شدت روان‌شناختی آن نیز موجب کاهش تأثیرگذاری مورد انتظار پیام‌های انقلاب اسلامی ایران شد.

نتیجه‌گیری

مبحث «اثرگذاری انقلاب» در حوزه علوم انسانی رخ می‌دهد. بنابراین، کشورهای اثرگذارنده و اثرپذیرنده هر دو انسان‌اند و چون تابعی از امور ارادی و انسانی‌اند، به شدت متأثر از عاملان انسانی و کارگزاران در دو طرف موضوع‌اند. این نکته از آن جهت مهم می‌نماید که در بررسی بزرگی انقلاب و شدت بازتاب آن و قضاوت منصفانه درجه اثرگذاری مدنظر قرار گیرد. درواقع، باید با توجه به دخالت این «عاملیت رقیب» میان دو بعد اثرگذاری «تأثیرات بالقوه» و «تأثیرات بالفعل» جدایی قائل شد:

تأثیرات بالفعل انقلاب: آن دسته از تأثیراتی است که به صورت بالفعل و مُحَقَّق رخ داده است (خرمشاد، ۱۳۸۱، صص ۵۷-۸۰، Esposito, 1990; Keddi, 1995. pp. 118, 80-57). درواقع، عنوان دیگر آن «پیش‌بینی‌های محقق» است. شواهد عینی انکارناپذیر آن را اثبات کرده و یا آنکه در اعترافات مخالفان و رقیبان منعکس شده است. برای نمونه، به این سخنان ریچارد نیکسون توجه کنید: «جنبش‌هایی که هم‌اکنون در سایر کشورها شکل گرفته‌اند، جز ثمر درخت انقلاب اسلامی ایران چیز دیگری نیست. این جنبش‌ها، نهرهایی هستند که از سرچشمه جوشان انقلاب اسلامی ایران در نقاط مختلف جهان شاخه‌شاخه شده‌اند» (نیکسون، ۱۳۶۸). روند معکوس سکولار شدن جهان، یکی از فرایندهای متأثر از انقلاب اسلامی ایران است. آنتونی گیدنز- جامعه‌شناس برجسته- در این باب می‌گوید: در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم‌وبیش اختلافاتی، فرایند عمومی جهان را به سمت سکوریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند؛ ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرایند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود (گیدنز، ۱۳۸۶). فاکس نیز همین دیدگاه را مورد تأکید قرار می‌دهد که از دهه هشتاد میلادی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران پارادایم سکولارسازی به پرسش گرفته می‌شود و این پارادایم همچنان در موقعیت دفاعی قرار گرفته و درواقع، مذهبی‌سازی^۹ در مقابل سکولارسازی^{۱۰} در جهان اسلام به‌طور جدی مطرح شده است (Fox, 2008, p.19). به واسطه انقلاب اسلامی ایران، اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی توانست به گفتمان مسلط

تبدیل شود و گفتمان کمالیسم و سکولار را از متن به حاشیه منتقل کند. از نظر برخی از نویسندگان، تفکر سیاسی امام خمینی (ره) با طرح اسلام به دلیل قابلیت دسترسی و اعتبار بالا و به دلیل اینکه منسجم‌ترین منطق اسلام‌گرایی را عرضه کرد، موجب شد که اسلام‌گرایی به یک جنبش ضد نظم حاکم تبدیل شود و بنابراین، با زوال گفتمان کمالیسم، ظهور گفتمان طردشده اسلام‌گرایی در دل مدرنیته امکان‌پذیر شد. اکبرزاده و منصوری نیز اسلام سیاسی را مولود انقلاب اسلامی ایران می‌دانند که در پیدایش و تقویت جنبش‌ها و احزاب اسلامی در مقابل سکولاریستی و حزب‌الله لبنان یا حماس نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است (Akbarzadeh, 2007, pp.115-25).

تأثیرات بالقوه انقلاب یا «پیش‌بینی‌های غیرمحقق» آن دسته از تأثیراتی است که قرائن و شواهد نشان می‌دهد که اگر رقبای، مخالفان و دشمنان یا متضرران در روند طبیعی امور، اختلالی ایجاد نمی‌کردند، رخ می‌داد. بنابراین، نکته مهم در بررسی میزان اثرگذاری انقلاب اسلامی، موضوع تعامل، مزاحمت، کارشکنی و یا به تعبیر دیگر، نقش موانع اثرگذاری در یک رابطه تعاملی^{۱۱} است. اگر انقلاب ایران که به دلایل گوناگون،^{۱۲} در زمان کوتاه و حجم پذیرش زیاد در روند طبیعی خود وارد عراق شده بود و اقدام‌های اخلاص‌کننده رخ نداده بود، در آن صورت، انقلاب ایران، با عبور از وجه شیعی و زبان فارسی از طریق عراق وارد خاورمیانه عربی می‌شد و «دومینوی انقلاب اسلامی» شروع می‌شد و کل خاورمیانه را تحت تأثیر قرار می‌داد. در صورت عدم انجام چنین اقداماتی و بر فرض خنثی بودن آنان، انقلاب اسلامی ایران می‌توانست تأثیرات عظیم‌تری در منطقه از خود بر جای گذارد. برای درک عمیق‌تر این موضوع همان‌سان که اشاره شد، باید به جایگاه مهم پیش‌بینی در علوم انسانی توجه کرد.

در سال‌های آینده، مثلاً در سال ۱۴۰۰ اش خطوط کلی بازتاب انقلاب اسلامی را چگونه می‌توان برآورد کرد؟ بر اساس سه سناریوی خوش‌بینانه، بدبینانه و ادامه دادن روند موجود، چگونه می‌توان به چشم‌اندازی از تحولات آینده دست یافت؟ سخن در این باب را به مقالی دیگر وامی‌نهیم؛ اما مسلم است که انقلاب اسلامی ایران از بهمن ۱۳۵۷ تاکنون تنها جنبش اسلامی است که موفق به کسب قدرت سیاسی شده است، بر اساس ضرب‌المثل «کشورگیری چه آسان، کشورداری چه مشکل» می‌توان توفیق

رهبران، دولت و حکومت ایران در ارائه یک الگوی موفق زندگی بر مبنای اسلام و یا عدم توفیق در این امر را سرنخ اساسی پیش‌بینی‌های آینده انقلاب اسلامی و بازتاب آن دانست. ساختار نظام بین‌الملل و مقوله جهانی شدن نیز محدودیت‌هایی را برای انقلاب ایجاد می‌کند. پدیده جهانی شدن نیز آینده انقلاب اسلامی و بازتاب آن را با وضعیتی بسیار متفاوت به تصویر می‌کشد. بنابراین، درصد کارآمدی از درون و جهانی شدن از بیرون، امواج اثرگذاری انقلاب ایران بر منطقه دو خط کلی آینده‌نگری را تشکیل می‌دهد. توفیق ایران در تمدن‌سازی می‌تواند ارمغان مطلوبی برای بشریت داشته باشد. یک جمهوری اسلامی کارآمد و موفق در ارائه یک الگوی توسعه و تمدن‌ساز همواره به عنوان یک جایگزین برای مدل توسعه مدرنیته شکست خورده و سکولار در کشورهای اسلامی و حتی جهان سومی غیرمسلمان تلقی خواهد شد (تامسون، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹)، هرچند که پیش‌بینی تمدن‌سازی توسط ایرانیان یا غربیان هم کار را بر تمدن‌سازان ایرانی دشوار و پرهزینه‌تر می‌کند؛ زیرا بحث تکراری اخلال در شرط وقوع‌ها را همچون بحث بازتاب انقلاب پیش می‌کشد.

می‌توان از علم و پیش‌بینی فاصله گرفت و در حوزه «دین یا فلسفه و اندیشه‌های انتزاعی و تخیلی» وارد شد و در قلمرو پیش‌گویی (و نه پیش‌بینی) دست به سناریوسازی زد. سناریوی بدبینانه از آن نوسترآداموس و اخیراً ساموئل هانتینگتون است که در آن پیکار قرن بیستمی میان کاپیتالیسم و کمونیسم جای خود را به شکلی از برخورد تمدن‌ها در قرن بیست و یکم خواهد داد (هانتینگتون، ۱۳۷۵؛ احمدی، ۱۳۸۱، صص ۲۱-۳۴؛ Esposito, 1993, Fuller, 1995) و واحدهای فراملی - یعنی تمدن‌ها - رویاروی یکدیگر قرار خواهند گرفت. آنچه هانتینگتون اظهار داشته است، شاید ترجمه‌ای قرن بیستمی از پیشگویی‌های نوسترآداموس باشد (نیمروزی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۴). خطوط کلی سناریوی خوش‌بینانه را می‌توان در پرتو خط راهنمای فلسفی - دینی «مهدویت» و یا بازگشت «مسیح» تصویرپردازی کرد. دست بشر از آینده کوتاه است. در جهان نگرش غربی، خیال‌پردازی آینده در خلأ مفاهیم پیشینی و حیاتی و صرفاً با خلاقیت و نبوغ فردی متفکر انجام می‌شود. اما متفکران مسلمان از ظرفیت‌های

عالی مندرج در سنت دینی و متون قرآنی و روایی بهره می‌گیرند و آن‌گاه با ترسیم خطوط کلی از خلاقیت‌های فردی و قوه خيال برای پردازش آینده بهره می‌گیرند.

یادداشت‌ها

۱. برای بررسی بیشتر مباحث نظری پیش‌بینی در علم سیاست رک. برزگر، ۱۳۸۶؛

.Almond, 1977

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره این پیشگوی فرانسوی رک.

Encyclopedia Britannica, 2002, vol.8, p.803;

Encyclopedia Americana, 1963. vol.20, p.493.

3. unique

۴. البته در قالب پیش‌گویی و نه پیش‌بینی نوسترآدموس و نیز آرنولد توین‌بی - مورخ معروف انگلیسی - پیش‌گویی‌هایی کرده بودند. توین‌بی با صراحت بیشتری در سال ۱۹۴۷م. در کتاب «تمدن در بوته آزمایش» و پس از بررسی سیر تاریخی تحولات تمدن‌های بزرگ دنیا، تجدید حیات اسلام یا - به تعبیر وی - بیدار شدن پان‌اسلامیسم خفته را پیش‌گویی کرده بود. به نظر وی، اگر وضع کنونی بشر به یک جنگ نژادی منجر شود، اسلام ممکن است بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کند (محمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۷).

5. D.I.A

۶. برای بررسی بیشتر مواضع اتحاد جماهیر شوروی در قبال انقلاب اسلامی ایران رک.

Yodfat, 1984, pp.54-67.

7. neighborhood effects

۸. برای بررسی اسناد دخالت آمریکا در جنگ به نفع عراق رک. بتیل، فشردن دست‌های

صدام حسین: اسناد دخالت آمریکا در جنگ ایران و عراق، ۱۳۸۳، صص ۱۱۳-۱۴۶.

9. sacralization

10. secularization

11. interaction

۱۲. برای بررسی بیشتر رک. حشمت‌زاده، ۱۳۸۵، صص ۳۹۶ و ۸۶؛ برزگر، نظریه پنخس و

بازتاب انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

کتابنامه

- آهني، محمدرضا (گردآورنده و مترجم) (۱۳۷۸)، *امام خميني (ره) و انقلاب اسلامي*، تهران: پژوهشگاه علوم انساني.
- ابن خلدون (۱۳۶۲)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروين گنابادي، تهران: مرکز انتشارات علمي و فرهنگي، جلد اول.
- احمدی، حمید (۱۳۸۱)، «اسلام و غرب پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: رویارویی یا همزیستی مسالمت‌آمیز»، *فصلنامه خاورمیانه*، شماره ۳۲.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۲)، *درآمدی به فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۵)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: سمت.
- اسلامی، مسعود (۱۳۶۹)، *ریشه‌های مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی علیه ایران*، تهران: نشر همراه.
- اسناد لانه جاسوسی (بی‌تا)، جلد ۳۵، عربستان سعودی، سند ۵۱، مورخ ۱۳۵۸/۷/۱۸، بی‌جا.
- امیری، کیومرث (۱۳۷۸)، *مآخذشناسی امام خمینی (ره)*، تهران: انتشارات باز.
- انوشه، حسن (به سرپرستی) (۱۳۷۶)، *فرهنگ‌نامه و ادب فارسی*، تهران: سازمان چاپ و انتشار.
- بتیل، جویس (۱۳۸۳)، «فشردن دست‌های صدام حسین: اسناد دخالت آمریکا در جنگ ایران و عراق»، ترجمه مریم ملانظر، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۴۷.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان.
- همو (۱۳۸۶)، *پیش‌بینی در علم سیاست*، مقایسه علوم دقیقه و علوم انسانی، مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران، برزگر و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «اثر انقلاب اسلامی در نظریه‌های تبیینی وقوع انقلابات»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۲۱.
- پوربناب، قهرمان (۱۳۷۹)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر ترکیه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۲۴، زمستان.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۲)، «تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی»، *سخن سمت*، شماره ۱۰، تابستان.

- تامسون، الکس (۱۳۸۵)، *مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا*، ترجمه علی گلیانی و احمد بخشی، مؤسسه ابرار معاصر.
- جهانگلو، امیررضا (گردآورنده و مترجم) (۱۳۴۷)، *چند مقاله درباره دورنگری*، مترجم امیرحسین جهانگلو، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۸)، *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵)، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی و بازتاب آن در رویکردی نظری*، فصلنامه *اندیشه انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره اول، بهار.
- خوری، رئیف (۱۹۷۳)، *الفکر العربی الحدیث، اثر الثورة الفرنسیة فی توجیه السیاسی والاجتماعی*، بیروت: دار المکشف.
- سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۶۴)، *انقلاب اسلامی ایران در چشم‌انداز دیگران*.
- سالار، محمد (۱۳۷۸)، *انقلاب اسلامی از منظر متفکران و اندیشمندان جهان*، تهران: نشر هماهنگ.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۶۷)، «ریشه‌های کشمکش در جامعه بین‌الملل»، *مجله سیاست‌خارجی*، شماره ۲، خرداد.
- عبدالناصر، ولیدمحمود (۲۰۰۱)، *التیارات الاسلامیة فی مصر ومواقفها تجاه الخارج*، قاهره: دار الشروق.
- کدی، نیکی (۱۳۸۶)، «آیا انقلاب‌ها را می‌توان پیش‌بینی و علل‌شان را درک کرد»، ترجمه احمد درستی، *مجله علوم سیاسی*، تابستان، شماره ۳۸.
- کوانت، ویلیام (۱۳۷۲)، «روابط پنهانی ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی»، ترجمه همایون بهمن، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۷۲-۷۲، مرداد و شهریور.
- گی روشه (۱۳۷۰)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منوچهر وثوقی، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لنوهاو، آلن‌وین (۱۳۷۸)، *پیش‌بینی آینده*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- مارش، دیوید، جری استوکر (۱۳۷۸)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مدیرشانه چی، محسن (۱۳۷۹)، *انقلاب اسلامی در دائره المعارف های جهان*، بی جا: الهدی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۰)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- همو (۱۳۸۰)، *انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها*، قم، نشر معارف اسلامی.
- مؤسسه سوره (۱۳۷۷)، *واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی*، روز شمار انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات سوره، جلد دوم.
- میکل، آندر (با همکاری هانری لوزان) (۱۳۸۱)، *اسلام و تمدن اسلامی*، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت.
- نیکسون، ریچارد (۱۳۶۸)، *پیروزی بدون جنگ*، ترجمه جعفر ثقة الاسلامی، تهران: اطلاعات.
- همو (۱۳۷۴)، *فراسوی صلح*، تهران: اطلاعات.
- نیمروزی، رسول (۱۳۸۱)، «نقد و بررسی و تفسیر پیشگویی های نوستر آداموس درباره جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران»، *مجله اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره دوم، تابستان.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، *نظریه برخورد تمدن ها و متقدماتش*، ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

- Akbarzadeh, Shahram and Fethi Mansori (2007), *Islam and Political Violence*, London: Tauris Academic Studies.
- Almond, Gabriel And Genco, Stephen (1977), "Cloud, Clocks, And The Study Of Politics", *World Politics*, vol. 29, No.4, July.
- Baker, Raymond William (2003), *Islam Without Fear: Egypt and The New Islamists*, Massachusetts and London: Harward University Press.
- Boulding, Kenethe, E. (1971), "General Systems Theory-The Skeleton Of Science"; In Peter P. Schoderbek, *Management Systems*; Second Edition; John Wiley & Sons, Inc.
- Eddin Ibrahim, Saad (2002), *Egypt, Islam and Democracy*, Cariro: The American University of Gario Press.
- Encyclopedia Americana: The International Refrence Work Americana Corporation* 1963. vol.20.
- Encyclopedia Britannica; Britannica Micropaedia Ready Reference*, 2002, vol.8.

- Esposito, John L. (1990), *The Iranian Revolution: Its Global Impact* ; Florida; University Press Of Florida.
- Id. (1993), *The Islam Threat: Myth Or Reality?* NewYork: Oxford University Press.
- Fahmy, Ninette (2002), *The Politics of Egypt; State-Society Relationship*, London: Rotledge.
- Fox, Jonathan (2008), *A World Survey Of Religion and The State*, New York: Cambridge University Press.
- Fuller, Graham (1995), *The Next Ideology; Foreign Policy*, No.98, Sping.
- Halliday, Fred (1997), *Revolution and World Politics*; London: Macmillan.
- Heywood, Andrew (2002), *Politics*; London Macmilam press LTD; Second Editlon.
- Hinnebusch, Raymond, A. (1988), *Egyption Politics Under Sablat*, London: Cambridge University Press.
- Keddie, Nikki (1995), *Iran and The Muslim world: Resistance and Revolution*; London: Macmillan.
- Khadduri, Majid (1988), *The Gulf War: The Origins And Implications Of The Iraq-Iran Conflict*; New York: Oxford University Press.
- Lenczowski, Gorge (1992), *American President In The Middle East*; California, Duck University, Berkly, 1992.
- Martin, Vanessa (2002), *Creating an Islamic State: Khomeini and The Making of a New Iran*, London: I.B.Tauris.
- Moens, Alexandar (1991), *President Carter's Adviser and The Fall of Shah*, In *Political Scier Quarterly*, Vol. 106,N.2.
- Moret, A. (1996), *The Nile and Egyption Civilization*, Translated by R.T. Clark, London: Routledge.
- Powell, Ivor (1967), *Disillusion by The Nile: What Nassar Has Done to The Nile*, London: Solstice Productions.
- Seifzadeh, Hossein (1997), "Revolution, Ideology and The War", In *Iranian on The Iran-IraQ war*", Farhang Rajae(ed), Florida: Univercity Of Florida.
- Scruton, Roger (1982), *A Dictionary Of Political Thought*; London: Macmillan Press, 1982.
- Yodfat, Aryeh (1984), *The Soviet Union and The Iranian Revolution*, London: Croom Helm LTD.